

دستور «سیدعلی خامنه ای» برای ترور «رفیق حریری»

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

مقدمه

دادستان دادگاه ویژه لبنان در لاهه، روز دوشنبه ۲۷ دی ۱۳۸۹ - ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱، کیفرخواست متهمان پرونده قتل رفیق حریری، نخست وزیر پیشین لبنان را صادر کرد.

دادگاه رفیق حریری که از سال ۲۰۰۵، آغاز شد انگشت اتهام را به سوی سوریه، حکومت اسلامی ایران و حزب الله گرفت. در حالی که حزب الله و حتی خامنه ای پیش از اعلام رای دادگاه گفته بودند که رای دادگاه را به رسمیت نمی شناسد.

رفیق حریری، نخست وزیر پیشین لبنان، در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵، به همراه ۲۲ نفر دیگر در انفجار مهیبی در بیروت به قتل رسیدند.

این دادگاه با انتشار بیانیه ای اعلام کرد، دادستان پس از تکمیل تحقیقات در مورد ترور رفیق حریری، کیفرخواست را به قاضی مقدماتی تحویل داده است.

شیکه بین المللی تلویزیون فرانسه در گزارشی از بیروت، گفته انتظار می رود در این کیفرخواست، گروه شیعه حزب الله به دست داشتن در ترور رفیق حریری، نخست وزیر سابق لبنان متهم شود.

در متن کیفرخواست آمده است که سپاه قدس سپاه پاسداران پس از دستور علی خامنه ای برای ترور حریری وارد عمل شد و از اعضای لبنانی این سپاه برای ترور استفاده کرد.

در کیفرخواست دادگاه بین المللی ترور رفیق حریری قید شده که سردار قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس رهبری عملیات را برعهده داشته است.

تهدیدهای حزب الله لبنان به یک جنگ داخلی، احساس ترس، استرس و اضطراب را به جان شهروندان لبنانی انداخته است. حکومت اسلامی ایران، نقشی عمده و مهمی در ایجاد این فضای جنگ طلبی لبنان دارد.

سقوط دولت لبنان، در ۱۲ ژانویه در پی خروج حزب الله و متحدانش از دولت ائتلاف ملی و شکاف عمیق میان جناح های رقیب، مردم لبنان را به سراشیبی آینده ای مبهم، توأم با ترس و اضطراب انداخته است.

کابینه لبنان به ریاست سعد حریری ۳۰ وزیر داشت که ۱۵ نفرشان از جریان ۱۴ مارس، ۱۰ وزیر از جریان ۸ مارس است و پنج وزیر نیز از طرف رییس جمهور معرفی شده بودند.

حزب الله لبنان که تحت حمایت کامل حکومت اسلامی ایران تهران قرار دارد، روز چهارشنبه با کناره گیری وزرایش، دولت سعد حریری را ساقط کرد و تهدید کرد که در برابر این اتهامات کوتاه نخواهد آمد. به گزارش منابع خبری تصمیم استعفاء وزیران مخالف حریری زمانی اتخاذ شد که تلاش های تازه عربستان سعودی، ترکیه، قطر و سوریه برای ادامه ثبات و آرامش در لبنان بی نتیجه ماند.

تهدیدهای حزب الله و سقوط دولت لبنان

به گزارش خبرنگار سایت «تابناک» از لبنان، سایت نزدیک به محسن رضایی، با استعفاء یازده وزیر متعلق به گروه ۸ مارس، کابینه سعد حریری نخست وزیر لبنان از دارا بودن حداقل وزرا محروم ماند و از مشروعیت قانونی خارج شد.

بنابر این گزارش، «پیش از این منابع خبری نزدیک به گروه ۸ مارس - نزدیک به حزب الله لبنان - اعلام کرده بودند در صورت تداوم دخالت گروه های خارجی و نزدیک به صهیونیست ها در جریان دادگاه ترور رفیق حریری نخست وزیر فقید لبنان و عدم پیگیری مناسب این مساله از سوی دولت، وزرای متعلق به جریان سیاسی ۸ مارس از حضور در دولت استعفا خواهند داد.»

به گزارش خبرگزاری ها از بیروت، محمد جواد خلیفه، وزیر بهداشت لبنان، روز چهارشنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۱۱، در گفتگو با خبرگزاری فرانسه، اعلام کرد: در صورتی که به درخواست های حزب الله و متحدان آن در خصوص نتایج تحقیقات دادگاه رسیدگی کننده به ترور رفیق حریری نخست وزیر سابق این کشور عمل نشود، این جنبش و متحدانش از دولت لبنان خارج خواهند شد.

سران حکومت اسلامی ایران و حزب الله لبنان، از مدت ها پیش دست به تلاش ها و تهدیدهای گسترده در رابطه با کیفرخواست دادگاه رفیق حریری، نخست وزیر پیشین و مقتول لبنان، زده بودند. چرا که گفته می شد در این کیفرخواست از عاملان قتل نام برده شده که از اعضای حزب الله و در ارتباط با حکومت اسلامی ایران بوده اند.

علی خامنه ای، یک ماه پیش در دیدار با سعد حریری در تهران، نخست وزیر لبنان، با «فرمایشی» خواندن دادگاه فوق، مخالفت خود را با روشن شدن حقیقت ابراز کرده بود.

روزنامه النهار چاپ لبنان، روز شنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱، در پی تحویل نتایج تحقیق دادگاه بین المللی نوشت: بر اساس گزارش این دادگاه، «آیت الله علی خامنه ای فرمان قتل حریری را صادر کرده و این قتل توسط واحد قدس سپاه پاسداران ایران و حزب الله لبنان به اجرا گذاشته شده است.»

قبل از این وقایع تلاش هایی صورت گرفت که اوضاع لبنان به این حد نگران کننده نرسد. اما ظاهرا این تلاش ها نتیجه ای نداد. در بیانیه ای که روز پنج شنبه ۲۰ ژانویه ۲۰۱۱ از سوی احمد داوودوگلو وزیر خارجه ترکیه و شیخ حمد بن جاسم بن جابر، همتای قطری او در بیروت منتشر شد، گفته شده که تلاش های این دو کشور برای میانجی گری در لبنان به طرحی منجر شده که می تواند به خواست های سیاسی و حقوقی برای برطرف کردن بحران کنونی در لبنان پاسخ دهد.

این بیانیه می‌افزاید: «ولی دو کشور با توجه به قیدوشرط‌های معینی، تصمیم گرفتند که تا اطلاع بعدی تلاش‌های خود را در لبنان متوقف کنند.» به نظر می‌رسد که تلاش این دو کشور، برای برقراری پیوندی دوباره میان فراکسیون سعد حریری و گروه مسلح حزب الله، با ناکامی روبرو شده است. پیش از این دو کشور، عربستان سعودی نیز اعلام کرده بود که بدون دست‌یابی به نتیجه‌ای مشخص، به تلاش‌های میانجی‌گرانه خود در لبنان پایان داده است. طبق اطلاع دفتر سعد حریری، سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان، روز چهارشنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۱۱، در گفتگویی تلفنی با نخست‌وزیر لبنان، پشتیبانی خود را از ثبات در این کشور اعلام کرده بود. هم‌چنین حریری، قبل از سقوط دولتش به آمریکا سفر کرد و با مقامات آن کشور به ویژه اوباما دیدار و گفتگو کرد. او هم‌چنین به پاریس رفت و با سارکوزی دیدار کرد.

تحقیق دادگاه بین‌المللی لاهه درباره قتل رفیق حریری

به گفته مسئولان دادگاه بین‌المللی جنایی لاهه، متن کیفرخواست در روز دوشنبه ۲۷ دی ۱۳۸۹ - ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱ در هلند صادر شده، اما برای جلوگیری از تشدید تنش‌های سیاسی در لبنان هنوز از جزئیات اتهامات و اسامی متهمان گزارشی منتشر نشده است.

دادگاه، رفیق حریری یک دادگاه بین‌المللی است و از محدوده اختیارات لبنان خارج است و نمی‌تواند مانع آن شود. دولت لبنان، تنها تعهد کرده است که ۵۱ درصد از مخارج دادگاه را تامین نماید. تغییر دولت در لبنان نمی‌تواند وقفه‌ای در آن ایجاد کند. زیرا سازمان ملل می‌کند هزینه آن را تامین کند و حتی از کشورهای دیگر کمک بگیرد.

سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان از مقام‌ها و مردم این کشور خواسته است که هرگونه همکاری با دادگاه بین‌المللی رسیدگی به پرونده ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر پیشین لبنان را قطع کنند و از دادن هرگونه اطلاعات به این دادگاه خودداری ورزند.

وی در سخنرانی زنده تلویزیونی اش گفت که هر اطلاعاتی که در اختیار این دادگاه قرار داده شود در اختیار اسرائیل قرار می‌گیرد و از آن علیه حزب الله استفاده خواهد شد.

دبیرکل حزب الله گفت که برای اولین بار سکوتش را درباره عملکرد دادگاه بین‌المللی شکسته و برای منحرف کردن افکار عمومی از ترور رفیق حریری ادعا کرده است که بازرسان این دادگاه بیش از آن که به دنبال یافتن عاملان قتل رفیق حریری باشند به دنبال کسب حداکثر اطلاعات در مورد حزب الله هستند، اطلاعاتی که به گفته او، در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی غربی و اسرائیل گذاشته خواهد شد. او هشدار داد که دادن اطلاعات به بازرسان دادگاه به معنی دشمنی و رویارویی با حزب الله خواهد بود.

سیدحسین نصرالله گفت اطلاعاتی در دست دارد که نشان می‌دهد بازرسان بین‌المللی طی فعالیت پنج‌ساله شان در لبنان خواهان دسترسی به پرونده تمام دانش‌جویانی که در هفت سال اخیر در لبنان تحصیل می‌کرده‌اند، شده‌اند. به گفته او، این بازرسان، هم‌چنین دسترسی به تمامی ارتباطات تلفنی در کشور را خواهان شده و نقشه‌های جزئی و دقیق از تمام خاک لبنان را طلب کرده‌اند.

روز چهارشنبه دو تن از بازرسان دادگاه بین‌المللی همراه با مترجم خود و یک مامور پلیس مخفی به مطب دکتر ایمان شراره، پزشک متخصص زنان در محله اوزاعی واقع در حومه شیعه نشین جنوبی بیروت مراجعه کردند و از او خواستند آدرس و شماره تلفن همه بیمارانی را که از هفت سال پیش تاکنون به او مراجعه کرده‌اند در اختیارشان قرار دهد. به گفته سید حسن نصرالله، دکتر شراره پزشک معالج همسران و دختران مسئولان رده بالا و فرماندهان حزب الله است.

وقتی دکتر شراره به بازرسان که یکی از آن‌ها استرالیایی و دیگری فرانسوی بودند توضیح داد که این اطلاعات حجم زیادی دارد و شامل پرونده هفت هزار مراجعه‌کننده می‌شود، آن‌ها خواسته خود را به آدرس و شماره تلفن تنها هفده تن از این مراجعه‌کنندگان کاهش دادند.

اما در این بین ده‌ها زن که عده‌ای از آنان روبنده به چهره داشتند به مطب وارد شدند و به بازرسان حمله کردند، کیف یکی از بازرسان و تلفن همراه مامور پلیسی که همراه شان بود ربوده شد و بی‌آن که موفق به کسب اطلاعات مورد نظر خود شوند، ناچار به ترک مطب شدند.

مدارکی که بازرسان از یک تلفن سیار به دست آورده‌اند، برخی اعضای حزب الله را با ترور حریری مرتبط کرده است.

در هر صورت آن‌گونه که سیدحسین نصرالله و دیگر مقام‌های لبنانی، از جمله نخست‌وزیر این کشور گفته‌اند، قرار است دادگاه بین‌المللی رسیدگی‌کننده به پرونده ترور رفیق حریری به زودی افرادی از حزب الله را به عنوان متهم و مظنون احضار کند.

پیش‌بینی می‌شود که صدور چنین قرارهایی از این دادگاه، باعث رویارویی جناح‌های سیاسی لبنان و بروز تنش در این کشور شود.

حزب الله، فقط قادر است در این روند اخلال و بحران ایجاد کند و کمی آن را به تعویق بیندازد. کشورهای عربی، نگرانی خود را در رابطه با وضعیت لبنان ابراز داشته‌اند. عمر موسی، دبیر کل اتحادیه عرب با خطرناک خواندن وضعیت لبنان، از طرفین خواسته است تا از هرگونه اقدامی که به درگیری و خشونت منتهی شود خودداری کنند.

دبیرکل اتحادیه عرب، متذکر شده که تمامی کشورهای عضو این سازمان از بحران سیاسی لبنان بسیار نگران هستند و به هیچ وجه نمی‌خواهند که بازهم این کشور به وضعیت گذشته بازگردد.

دادستان محکمه ای که با پشتیبانی سازمان ملل متحد فعالیت می کند ادعای قتل سال ۲۰۰۵ رفیق حریری را منتشر کرده است.

محکمه رفیق حریری در بیانیه ای در وبسایت اش نوشت: «دادستان محکمه (دانیل یلمار) متن اتهامات و شواهد را تحویل قاضی دادگاه اولیه داده است.»

مقام های سازمان ملل گفته اند که هویت مظنونان تا زمانی که قاضی فرانزن ادعای نامه را تایید و احکام جلب را صادر نکرده فاش نخواهد شد - فرآیندی که می تواند دو تا سه ماه زمان ببرد.

وب سایت خبری مکس نیوز، نوشته است که گروه تحقیق سازمان ملل درباره پرونده ترور رفیق حریری، نخست وزیر اسبق لبنان، آیت الله خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی را به عنوان مسئول ترور رفیق حریری معرفی خواهد کرد.

در این گزارش که هم اکنون به بیرون درز کرده قرار است تا چند هفته دیگر منتشر شود، آیت الله خامنه ای به عنوان فردی که دستور قتل رفیق حریری را صادر کرده، معرفی شده است. در این گزارش آمده این قتل توسط سپاه قدس و با همکاری حزب الله لبنان انجام شده است.

سایت «مکس نیوز»، به نقل از یک منبع نزدیک به گروه تحقیق اعلام کرده است که قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، دستور این قتل را به عماد مغنیه، رهبر سابق نظامی حزب الله لبنان داده و مغنیه به همراه برادر خود، مصطفی بدرالدین، دست به ترور رفیق حریری زده اند. عماد مغنیه خود، دو سال پیش، در یک عملیات تروریستی در دمشق به قتل رسید.

هم چنین گفته می شود بشار اسد، رئیس جمهور سوریه و برادر وی، آصف شوکت، رئیس سازمان اطلاعات سوریه، در جریان این ترور بوده اند.

این گزارش افزوده است که برطبق نظر آیت الله خامنه ای، رفیق حریری مأمور عربستان سعودی بوده و با کشته شدن وی راه به دست گرفتن کنترل لبنان توسط حزب الله هموار خواهد شد.

لبنان و قطب بندی های سیاسی آن

کشور کوچک و کوهستانی لبنان، تا سال ۱۹۴۶ تحت استعمار کشور فرانسه قرار داشت. در سال ۱۹۴۶، این کشور استقلال خود را به دست آورد و به عنوان کشوری مستقل به رسمیت شناخته شد.

مردم لبنان از گروه های نژادی و ملیت های مختلفی هم چون اعراب، آسوریان، سریانی ها، ارمنی ها، کردها و یهودیان تشکیل شده است. در این کشور مذاهب و ادیان مختلفی حضور دارند که از آن میان مسیحیان و مسلمانان سنی جمعیت بیش تری دارند و پس از آن شیعیان و دروزیان در مرتبه سوم و چهارم قرار دارند. لبنان همواره در گذرگاه تاریخ از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. تعداد قابل توجهی از پناهندگان فلسطینی نیز در کشور لبنان زندگی می کنند.

از سال ۱۹۷۵ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، لبنان جنگ داخلی خونینی را تجربه کرد و اکنون مدت ده سال است که این جنگ پایان یافته و مردم کشور لبنان به بازسازی کشور خود مشغولند.

اکنون وضعیت داخلی لبنان، ۵ سال پس از ترور نخست وزیر رفیق حریری، بحرانی تر شده و احتمال این که دچار جنگ خانمانسوز داخلی جدیدی شود دور از انتظار نیست.

چندین دهه است که خاورمیانه شاهد دو منطقه بسیار حساس فلسطین و لبنان است. در واقع مردم این دو کشور قربانی سیاست های منطقه ای و بین المللی هستند.

صف آرای دولت های منطقه ای و بین المللی مشخصا در لبنان، به این شکل است که اتحادی از کشورهای تشکیل شده که سیاست های فعلی دولت های غربی و در راس همه دولت آمریکا به رهبری اوباما، پیروی می کنند. کشورهای منطقه ای چون مصر، عربستان، اردن و بخشی از شیخ نشینان حاشیه خلیج فارس نیز در این اتحاد قرار دارند.

اتحاد و یا جبهه بندی دیگری به محوریت سوریه، حکومت اسلامی ایران و حزب الله لبنان است که در مقابل اتحاد غرب گرایان قرار دارند.

اوباما و غیر بیش تر به دنبال آن راه حل مسائل خاورمیانه هستند تا از یک سو منافع خودشان حفظ شود و از سوی دیگر، امنیت دولت اسرائیل تامین شود.

به نظر می رسد که قبل از تحولات اخیر و به دنبال سقوط دولت حریری و انتخاب نخست وزیر از گروه حزب الله، ظاهرا دولت آمریکا و اتحادیه اروپا و دولت حاکم قبلی حریری در لبنان، خواهان حفظ ثبات و آرامش میان گروه های مختلف لبنانی بودند.

سفر ۴ ساعته و تشریفاتی ملک عبدالله به همراه بشار اسد که در ۳۰ ژوئیه امسال و در خلال دادگاه جنجالی رفیق حریری رخ داد، اگرچه به استحکام بخشی گروه های طرفدار این دو کشور در لبنان تعبیر شد اما ظاهرا نشانه ای از علاقه مندی دو کشور به حفظ ثبات در لبنان بود. عربستان، به طور مشخص به خاطر حمایت از دولت وقت لبنان به نخست وزیر سعد حریری که با میانجی گری این کشور برای به توافق رسیدن جریان ۸ مارس به قدرت رسید، دلایل قوی تری برای نشان دادن علاقه خود به تقویت دولت فعلی و پرهیز از هرگونه جنگ و درگیری داخلی در لبنان بود. سوریه پس از ترور رفیق حریری و ائتلاف جریان ۱۴ مارس به رهبری سعد حریری، در لبنان منزوی شد.

سرانجام با تحولات منطقه و به ویژه با قدرت گیری حکومت اسلامی در ایران، موقعیت شیعیان لبنان نسبت به دوره اما موسی صدر، دگرگون شد و حزب الله به عنوان یک نیروی مسلح اعلام موجودیت کرد. جنبش امل، با حمایت و پشتیبانی همه جانبه ارتش و دولت سوریه، به رویارویی با جناح های چپ رادیکال پرداخت. برای مثال، هنگام مداخله سوریه در لبنان در نیمه سال ۱۹۷۶، ارتش سوریه با مخالفت شدید سازمان آزادی بخش

فلسطین «ساف» (به استثنای برخی سازمان های طرفدار سوریه) و نیز گروه های چپ رادیکال لبنان مواجه شد. اما موسی صدر، همانند جناح های مارونی، از ورود ارتش سوریه به لبنان، استقبال کرد. همین استقبال جنبش امل از ورود ارتش سوریه به لبنان تا به امروز نیز ادامه یافته است. بنابراین، یکی از دولت هایی که تا به امروز لبنان را ایستاد کرده و به ادامه جنگ های داخلی این کشور دامن زده است ارتش سوریه است. اما موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، در اوایل قدرت گیری حکومت اسلامی ناپدید شده و هنوز هم این مساله در هاله ای از ابهام باقی مانده است.

موقعیت لبنان، حملات نظامی اسرائیل به لبنان و نیروهای خارجی در این کشور

اسرائیل، کشوری کوچک و باریک است که در سواحل جنوب شرقی دریای مدیترانه قرار گرفته و سرزمینی اکثرا خشک و بیابانی است، ولی شمال آن دارای آب کافی بوده و سرسبز و خرم است.

لبنان، دارای جمعیتی حدود چهار میلیون نفر است. وسعت کشور لبنان ده هزار و چهار صد کیلومتر مربع یعنی حدود یک صد و پنجاهم ایران است. بدین معنی که کشور ایران، ۱۵۰ برابر بزرگ تر از کشور لبنان است. میانگین درآمد در کشور لبنان، حدود ۲۷۰۰ دلار آمریکا است. این مبلغ تقریبا سه برابر میانگین درآمد در کشور ایران و چهار برابر میانگین درآمد در کشور سوریه است. و این در حالی است که این کشور کوچک، فاقد هرگونه ذخائر معدنی هم چون نفت و گاز است.

کشاورزی و صنعت توریسم مهم ترین منابع درآمد لبنان به حساب می آیند. واحد پول لبنان لیر لبنانی است که هم اکنون تقریبا هر ۱۵۰۰ لیر لبنانی با یک دلار آمریکا مبادله می گردد.

درآمد نسبتا بالای مردم لبنان، عمدتا به دلیل تجارت بین المللی است که در مرزهای لبنان به ترتیب عبارتند از: مرز مشترک با سوریه ۲۷۵ کیلومتر؛ مرز مشترک با فلسطین تحت اشغال دولت نژادپرست اسرائیل ۷۹ کیلومتر و خط ساحلی دریای مدیترانه ۲۲۵ کیلومتر.

لبنان، دارای یکی از زیباترین سواحل مدیترانه ای است و به همین دلیلی نیز دورانی به «عروس خاورمیانه» معروف بود.

بیروت، پایتخت لبنان با وجود این که در اثر جنگ های داخلی و حملات اسرائیل، صدمات زیادی دیده، اما زیباترین شهر خاورمیانه دانست. شهری ساخته شده در میان کوه های جنگلی و مشرف به یکی از زیباترین سواحل مدیترانه، با ساختمان هایی بلند و مدرن و خیابان های پهن که از میان شهر می گذرند.

لبنان، اولین کشور خاورمیانه است که چندین شبکه تلویزیونی خصوصی متعلق به جناح های مختلف سیاسی دارد. در طی جنگ های داخلی حدود یک صد شبکه رادیویی خصوصی در این کشور فعال بودند که در حال حاضر دولت سعی در کنترل کردن آن ها دارد و اکنون فقط تعدادی از آن ها مشغول به فعالیت هستند.

در لبنان، دوازده روزنامه که معروف ترین آن ها روزنامه «النهار» و روزنامه «السفیر» هستند به طور دائم و آزادی منتشر می شوند. تعداد مجلات در لبنان، بالغ بر شصت مجله است.

اسرائیل از سه طرف، با کشورهای عرب همسایه است، ولی از غرب و جنوب راه به دریا دارد. در شمال اسرائیل، کشور لبنان قرار دارد. سوریه در شمال شرق، و اردن در شرق این کشور واقع شده است. اسرائیل در جنوب با مصر، هم مرز است و عربستان سعودی در فاصله چند کیلومتری از بندر ایلات (جنوبی ترین نقطه اسرائیل) واقع شده است.

مساحت اسرائیل، در مرزهای پیش از جنگ شش روزه سال ۱۹۷۶، از ۲۲ هزار کیلومتر تجاوز نمی کرد. اما با اضافه شدن کرانه باختری رود اردن به آن، این مساحت به ۲۷/۸۰۰ کیلومتر رسید. فاصله اسرائیل تا شهرهای عرب نشین کرانه باختری رود اردن، حدود ۱۵ کیلومتر است و تا مرز اردن بیش تر از ۴۰ کیلومتر فاصله ندارد.

دولت های اشغال گر و نژادپرست و نظامی - سیاسی اسرائیل، در حدود شش دهه اخیر که از حاکمیت شان می گذرد، همواره سرزمین های فلسطینی را در اشغال خود دارد و به ویژه با محاصره غزه و حملات پی در پی به این منطقه همه مردم آن جا را در فقر و گرسنگی مطلق قرار داده و هم با حملات هوایی و زمینی و دریایی پی در پی مردم بی شماری را به قتل رسانده است.

نیروهای هوایی و زمینی و دریایی اسرائیل بارها به لبنان حمله کرده و دست به تخریب و کشتار زده اند. غیر از جنگ ۲۳ روزه اخیر، سحرگاه ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲، سرآغاز دو روز و دو شب کشتار و مقاومت در دو اردوگاه صبرا و شتیلا در لبنان بود. کشتار و قتل عام بی رحمانه هزاران تن از زنان، مردان و کودکان آواره فلسطینی به دست فالانزهای لبنانی و با حمایت پشتیبانی و تسلیحاتی نظامیان اسرائیلی به رهبری آریل شارون، واقعه کمی نبود که از ذهن بشریت پاک شود. قتل عامی که در میانه جنگ های داخلی لبنان، که از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد و دست کم ۱۵ سال به طول انجامید، رقم خورد.

دیوید هرست خبرنگار معروف غربی در توصیف آن رویداد در کتاب خود می نویسد: «اولین واحد شامل ۱۵۰ فالانزیست پس از عبور از موانع اسرائیلی ها از در اردوگاه شتیلا وارد شدند که گروهی از آن ها علاوه بر سلاح، چاقو نیز به همراه داشتند. قتل عام به مدت ۴۸ ساعت شروع شد و حتی در شب نیز با روشن کردن محوطه اردوگاه توسط اسرائیلی ها ادامه داشت: آن ها به زور وارد خانه های مردم شده و فلسطینی های در خواب را به رگبار مسلسل بستند. فالانز ها بعضا قبل از کشتن آنان را شکنجه می دادند چشم هایشان را درمی آوردند، زنده زنده پوست شان را می کندند، شکم ها را می دیدند، به زنان و دختران گاه بیش از ۶ بار تجاوز می کردند و بعد سینه هایشان را می بریدند و در آخر به ضرب گلوله آن ها را از پا درمی آوردند. بچه ها را از وسط دو شقه می کردند و مغزشان را به دیوار می کوبیدند. در حمله به بیمارستان عکا تمام بیماران را بر روی تخت خود کشتند. دست بعضی را به ماشین می بستند و در خیابان ها می کشیدند، دست های فراوانی برای بیرون آوردن دستبند و انگشتر قطع شد. در نهایت چند بولدوزر به اردوگاه آورده تا علاوه بر دفن مقتولان خانه های سالم را با خاک یک سان کنند اجساد مردم تا چند روز بر زمین مانده بود و گربه ها از گوشت آنها می خوردند و آن قدر

وحشی شده بودند که به مردم زنده نیز حمله می کردند زیرا به خوردن گوشت انسان عادت کرده بودند. (هرست، دیوید، «تفنگ و شاخه زیتون»، ترجمه رحیم قاسمیان، ص ۴۶۸-۴۶۹)

در ادامه جنگ داخلی در لبنان، وزرای خارجه عرب، در ۸ ژوئن ۱۹۷۶، در نشستی در قاهره خواستار ورود نیروهای بازدارنده عرب به لبنان شدند که در ۲۰ ژوئن ۷۶ اولین گروه متشکل از ۹۰۰ سوری و لیبیایی و ۱۳۰۰ نفر از عربستان و سودان وارد لبنان شدند که بعداً سوریه با اعزام حدود ۶۰۰۰ سرباز بیشترین تعداد را در این ارتش به عهده گرفت و جای پای خود در لبنان هم از جنبه نظامی و هم سیاسی محکم تر کرد. هنوز هم سربازان سوریه از این کشور خارج نشده اند.

نخستین مداخله نظامی مهم آمریکا در لبنان نیز با اعزام تفنگداران دریایی در سال ۱۹۵۸ صورت گرفت و تا سال ۱۹۸۳، روند جابه جایی و افزایش این نظامیان ادامه داشت. اما انفجار مقر این نظامیان در اکتبر همین سال و کشته شدن ۲۴۱ تفنگدار آمریکایی، سبب شد شمار این نظامیان به شدت کاهش یابد و سپس به کشور خود بازگردند.

موضع گیری سران حکومت اسلامی درباره بحران لبنان

به دنبال انتشار خبرها درباره دست داشتن مقامات حکومت اسلامی در ترور رفیق حریری، علاوه بر سیدحسین نصرالله، سران و مقامات حکومت اسلامی سخت به تکاپو افتاده اند.

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر حکومت اسلامی در امور بین الملل، گفته است که: «دادگاه رفیق حریری با غرض سیاسی تشکیل شده و معرکه گردان آن صهیونیسم و آمریکا هستند؛ چرا که در جنگ ۳۳ روزه لبنان ثابت شد که اسرائیل و آمریکا در تقابل نظامی نمی توانند با مقاومت و حزب الله مقابله کنند... دادگاه بین المللی لاهه تبدیل شده به یک ابزار سیاسی برای قدرت های استکباری صاحب نفوذ در سازمان ملل تا بتوانند اهداف سیاسی خود را مانند دیگر نهادهای وابسته به سازمان ملل در آن دنبال کنند.»

رامین مهمان پرست، سخن گوی وزارت خارجه نیز با توصیف این دادگاه به عنوان «ابزار سیاسی» گفته است: «به نظر می رسد این دادگاه اساساً یک جهت گیری سیاسی دارد و کسانی که موضوعات مربوط به این دادگاه را پیگیری می کنند، به دنبال کشف حقیقت نیستند. این دادگاه اهداف خاصی را در دستور کار قرار داده و کمک هایی را که دولت آمریکا برای برگزاری آن اختصاص داده، سیاسی بودن این دادگاه را بیش از پیش به ذهن متبادر می کند. ضمن این که در مراحل قبلی افراد زیادی را در این دادگاه به عنوان شاهد آوردند و مطالب زیاد را مدعی شدند که بعد مشخص شد این مطالب دروغین و کذب بوده است.»

پیش از این آیت الله خامنه ای نیز در دیدار با امیر قطر، درباره این دادگاه چنین کرده بود: «دادگاه، دادگاهی فرمایشی است که هر حکمی بدهد، مردود است و امیدواریم طرف های تاثیرگذار و دخیل در لبنان، براساس عقل و حکمت عمل کنند تا این موضوع به یک مشکل تبدیل نشود.»

او، هم چنین در دیدار با سعد حریری، فرزند رفیق حریری که «لبنان را کشوری مهم و خط مقدم مقابله با رژیم غاصب صهیونیستی» می داند.

به گزارش صدا و سیما حکومت اسلامی، احمدی نژاد چهارشنبه ۲۹ دی ۱۳۸۹ - ۱۹ ژانویه ۲۰۱۱، در بزد گفت، موضوع هسته ای از نظر ملت ایران تمام شده است. وی خطاب به کشورهای غربی افزود: حالا باید گفت، بسم الله، بنشینید با ایران هسته ای همکاری کنید.

احمدی نژاد گفت: این به نفع خود شماست. فضای جدیدی برای شما باز شده تا در رفتار و ارتباط خود با ملت ها تجدینظر کنید و بدانید ملت ایران سر سوزنی عقب نشینی نخواهد کرد.

احمدی نژاد، در مورد اوضاع لبنان نیز گفت، مسئولی را (رفیق حریری) ترور می کنند و با فریب کاری انگشت اتهام را به سمت نیروهای وفادار (حزب الله) و ملت های دوست (جمهوری اسلامی) جهت گیری می کنند. احمدی نژاد، با نگرانی از پیامدهای رای دادگاه رسیدگی به ترور حریری گفت، می خواهم خطاب به رژیم صهیونیستی، دولت آمریکا و برخی دولت های اروپایی که بی شرمانه در امور لبنان دخالت می کنند بگویم؛ اربابان صهیونیست، مسیر حرکت شما رو به سقوط است و در سرراشویی باند منتهی به دره ای عمیق قرار گرفته اید.

احمدی نژاد، درباره اوضاع تونس نیز به دروغ پردازی پرداخت و به نحو مضحکی گفت، خیلی روشن است که ملت تونس با شعارهای اسلامی در برابر دیکتاتوری وابسته قیام کرد. در یک کلام خواست مردم تونس، «برقراری احکام اسلام ناب محمدی» است.

احمدی نژاد، از وقایع لبنان و تونس و غیره به حدی سراسیمه شده است که آشکارا هذیان و دروغ می گوید. اولاً نقش حکومت اسلامی در تسلیح و آموزش حزب الله و دخالتش در امور داخلی لبنان به حدی آشکار است که به هیچ وجه امکان پرده پوشی آن وجود ندارد. بعلاوه نقش مذهب در تحولات انقلابی تونس به حدی کم رنگ است که بر خلاف پایه گویی های احمدی نژاد و دیگر هم فکران مرتجعش، حتی رهبر حزب اسلامی تونس، رسماً اعلام کرده است که «نه من خمینی هستم و نه شیعه و نه حکومت اسلامی» می خواهیم. بنابراین، حکومت اسلامی ایران و همه سران و مقامات آن، سی و دو سال است که در جامعه ایران و در سطح بین المللی، به سیاست های غیرانسانی و وحشیانه و تروریستی مشغولند.

تحولات تونس، مصر، یمن، الجزایر، آلبانی و... زنگ خطر را برای حکومت های مستبد و ارتجاعی به ویژه حکومت اسلامی ایران، به صدا درآورده است.

احمدی نژاد که مهارت و تجارب شخصی فراوانی نیز در زمینه های ترور، قطع دست و پا، تیر خلاص زنی به زندانیان سیاسی و تبلیغ و ترویج خرافات مذهبی و امام زمان تراشی و دروغ گویی دارد، در ادامه سخنانش خطاب به رقبایش تاکید کرد: «دستان خود را کوتاه کنید زیرا اگر دست از شرارت بر ندارید، ملت لبنان و ملت های منطقه دست پلید شما را قطع خواهند کرد و مهر ذلت بر پیشانی شما خواهند کوبید.»

این حکومت جانی و تبه کار، تاکنون در داخل و خارج کشور، صدها فعال سیاسی و فرهنگی را ترور کرده است؛ در زندان هایش، ده ها هزار زندانی سیاسی و غیرسیاسی را بی رحمانه و بدون دادگاه اعدام کرده است؛ از سرکوب سیستماتیک زنان دست برنمی دارد؛ سران این حکومت در سطح جهان، به دشمن درجه یک آزادی بیان و قلم و اندیشه معروفند؛ میلیون ها کودک را وادار کرده اند که به دلیل فقر از تحصیل دست بکشند و وارد بازار کار ارزان و بی رحم شوند. نهایت امر، هیچ شهروندی در ایران و حتی طرفداران دیرویش نیز از تعرض و ترور مأمورین امنیتی و اما زمانی اش در امان نیستند و...

حکومت اسلامی، در سطح بین المللی نیز گروه های اسلامی تروریستی را از آفریقا تا آسیا و غیره آموزش داده و مسلح کرده است که حزب الله لبنان و حماس نمونه هایی از آن ها هستند.

قبلا کمک های مالی حکومت اسلامی ایران، به گروه های شیعه و به ویژه حزب الله لبنان، از طریق شعب بانک صادرات در بیروت به حزب الله پرداخت می شد اما ظاهرا پس از تحریم بین المللی این بانک و حساسیت های ایجاد شده درباره فعالیت آن، انتقال نقدی پول و استفاده از اعتبارات سفارت ایران در لبنان، جایگزین نقل و انتقالات بانکی شده است.

در یکی از سایت های جناح اصلاح طلب حکومت اسلامی، درباره کمک های مالی به حزب الله لبنان آمده است، به منظور انتقال پنهانی کمک های مالی حکومت ایران به حزب الله، ماه گذشته و به بهانه هفته دوستی مردم ایران و لبنان، یک برنامه فرهنگی در این کشور تدارک دیده شد و هم زمان مهرداد بذریاش معاون محمود احمدی نژاد نیز به بیروت سفر کرد تا در پوشش این مراسم فرهنگی و به دور از چشمان رسانه ها، چهار صد میلیون دلار پول را به حزب الله تقدیم کند.

این گزارش، هم چنین حاکی ست، یکی از شبهه نظامیان حزب الله که پس از پایان جنگ سی و سه روزه مسئولیت دریافت کمک های ایران برای بازسازی ضاحیه جنوبی (پایگاه حزب الله در جنوب بیروت) را بر عهده داشته است، به اتهام اختلاس تحت تعقیب قرار گرفته است. گفته می شود همین تجربه و نیز شباهت بسیاری که درباره نحوه استفاده از کمک های نقدی ایران پس از جنگ ۲۰۰۶ وجود دارد باعث شده تا نماینده احمدی نژاد عهده دار انتقال ارز و هماهنگی های لازم شود.

روابط حکومت اسلامی ایران و حزب الله لبنان

حزب الله لبنان، تنها سازمان خارج از ایران است که با ایدئولوژی حکومت اسلامی و رهبری ایران پیوند خورده است. این گروه پس از به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران، با کمک این حکومت در لبنان تاسیس شده و هنوز از حمایت های بی کران مادی و معنوی حکومت اسلامی برخوردار است. حزب الله سال ۱۹۸۲ به وجود آمد. در واقع حکومت اسلامی ایران، لبنان را حیات خلوت خود می داند. حزب الله لبنان، در سال های نخستین تاسیس این گروه نظامی- سیاسی، سپاه پاسداران ایران نیروهای خود را جهت آموزش نظامی نیروهای حزب الله لبنان به این منطقه فرستاده بود و یا گروهی از آن ها را برای آموزش های نظامی - سیاسی و ایدئولوژیک به ایران آورده بودند.

در وقایع پس از مضحکه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، شماری از رسانه های داخلی و خارجی و تنی چند از ویلاگ نویسندگان ایرانی هویت برخی از سران حزب الله با تصاویرشان در کنار هجوم وحشیانه نیروهای سرکوبگر حکومتی به راه پیمایی مردم در تهران را فاش کردند.

در یک نمونه در زیر یکی از عکس ها، این خبر هم مشاهده می کنید: «حسین منیف اشمر که برادر دو شهید معروف استشهادی حزب الله لبنان علی منیف اشمر و محمد اشمر است و از سال ۱۳۷۴ در ایران بسر می برد، ضمن عضویت در سپاه پاسداران از اعضای دفتر نمایندگی حزب الله لبنان در ایران هم هست، در روز حمله به ستاد مهندس موسوی واقع در قیطریه تهران حضور فعالی داشته است. حاضران در ستاد قیطریه به مسلح بودن اشمر و ضرب و شتم نیروهای فعال ستاد موسوی توسط وی و همکاریانش شهادت داده اند.

در واقع تاریخچه به کارگیری نیروهای خارجی در بدنه نیروهای نظامی کشور و از جمله سپاه پاسداران به زمان جنگ ایران و عراق برمی گردد که عراقی های عضو مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق در قالب یک لشکر به نام لشکر نه بدر در خدمت ایران بوده اند و البته بعدها افغان ها و شیعیان لبنانی هم به طور مشخص و آشکار در خدمت نیروی قدس سپاه درآمدند. هم اکنون نیز مدت هاست دو تیپ مشخص از نیروی قدس سپاه پاسداران یکی با استقرار در مجاورت سازمان صدا و سیما و محل نمایشگاه های بین المللی تهران که از بازماندگان لشکر نه بدر می باشند مسئولیت حفاظت از صدا و سیما را برعهده دارند و تیپ دیگر در خیابان امام خمینی تهران در کنار لشکر مخصوص ده سیدالشهدا به عنوان تیپ احتیاط تهران که از اعضای افغانی و لبنانی و سوری تبار می باشند هم چنان در بدنه امنیتی و انتظامی سپاه تهران می باشند. چهار سال پیش نیز وقتی که نیروی انتظامی در گشت های جدید ارشاد و امنیت خود که به «ماشین سپاه ها» مشهور شدند شایعه به کارگیری نیروهای خارجی و عرب زبان در آن ها شدت گرفت. ماجرا وقتی از شایعه به عینیت رسید که روزنامه نگاری در تهران اعلام کرد که به سراغ یکی از آن تیم های گشتی رفته و با آن ها درصدد مصاحبه برآمده اما از چهار نفر راکبان آن جیب فقط یک نفر از آن ها به فارسی تسلط داشته است، در بعد از آن بود که فرماندهی وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ اعلام نمود افراد فوق و تعدادی بسیاری از این گشتی ها از نیروهای احتیاط نیروی انتظامی در استان خوزستان می باشند که در مواقع لزوم در دیگر مناطق کشور نیز به کار گرفته می شوند! البته این توضیح و پاسخ این مقام نه تنها قانع کننده نبود بلکه مهر تاییدی بود بر همه شایعه ها.

باین ترتیب، در حال حاضر قطب بندی های سیاسی - اجتماعی میان دو گروه عمده لبنان، یعنی طرفداران دولت و اپوزسیون، آن قدر بحرانی و خصومت بار است که بیانگر قطب بندی های حاد آغاز دهه ۱۹۷۰، پیش از آغاز جنگ داخلی این کشور است. بنابراین، مردم لبنان با این قطب بندی های جدید، به شدت نگران و سراسیمه شده اند. حتی گفته می شود مردم به فکر ذخیره مواد غذایی و دارو و غیره افتاده اند. آن ها از این بیم و هراس

دارند که وضعیت موجود از یک سو، به یک جنگ داخلی تمام عیار دیگر تبدیل شود و از سوی دیگر، اسرائیل از این وضعیت بهره برداری سیاسی - نظامی کرده و به این کشور حمله کند. در این میان، همه دولت های درگیر در مسایل لبنان، به دنبال منافع خود و تقویت طرفداران شان در آن کشور هستند و عموماً برایشان چندان اهمیتی ندارد که چه بلایی به سر مردم لبنان بیاید.

در چنین فضای سیاسی، محمود احمدی نژاد به لبنان سفر کرد تا موضع حزب الله تقویت کند و از سوی دیگر، دولت لبنان را برای کنار کشیدن خود از پیگیری دادگاه رفیق حریری و متهم کردن حزب الله دور نگه دارد. حکومت اسلامی ایران، در طول سی و دو سال گذشته به طور آشکار چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی از حزب الله حمایت کرده است.

احمدی نژاد در این سفر خود، رسماً و علناً نه مهمان دولت لبنان، بلکه به عنوان مهمان حزب الله بود. از این رو، حزب الله نیز تدارک وسیعی برای استقبال از او دیده بود. او، از نزدیک و مستقیماً با سران گروه حزب الله دیدار و گفتگو کرد.

توازن قوای سیاسی در پارلمان لبنان

از سال ۹۸۹۱ که براساس قرارداد طائف در عربستان سعودی به درگیری خونین داخلی ۱۵ ساله (۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰) در لبنان پایان داده شد تا سال ۲۰۰۵ که برخی جریان های بین المللی با ترور رفیق حریری نخست وزیر لبنان سعی در ایجاد جنگ داخلی جدید با هدف تغییر نقشه سیاسی را داشتند، جریان ها و تشکل های سیاسی لبنان، همانند آن چه که امروز شاهد آن هستیم تا این حد وارد قطب بندی های نظامی، سیاسی و مذهبی نشده بودند. مهم ترین جریان های سیاسی لبنان تا پیش از ترور حریری عبارت بود از جریان های شیعی حول محور امل و حزب الله، جریان های مسیحی حول احزابی چون نیروهای لبنانی، کتائب و المرده و جریان های سنی حول محور جریان المستقبل و بعضاً جماعت اسلامی و یا توحید اسلامی و جریان های درروزی حول محور حزب سوسیالیست ترقی خواه. هر یک از این جریان ها براساس سهم بندی که برای آنان در قانون اساسی لبنان تعیین شده بود اقدام به فعالیت سیاسی در لبنان می کردند. اما از سال ۲۰۰۵ تاکنون و هم زمان با ترور حریری شاهد قطب بندی های جدیدی از جریانات سیاسی در این کشور هستیم که در نوع خود بی سابقه بوده است.

هم زمان با ترور حریری، جریانی با نام ۱۴ مارس در درون لبنان شکل گرفت که خواستار خروج سوریه از لبنان و خلع سلاح حزب الله شد. سوریه و حزب الله در پاسخ به این جریان، به جریان ۸ مارس موسوم شد. هریک از این دو جریان ۸ و ۱۴ مارس متشکل از گروه هایی بودند که براساس رویدادهای جدید لبنان پا در عرصه فعالیت های سیاسی جدید گذاشته بودند.

گروه ۸ مارس، در پی گردهمایی سال ۲۰۰۵ حزب الله در بیروت و به دنبال مخالفت با خلع سلاح این گروه اسلامی، حمایت از سوریه و مقاومت در برابر اسرائیل، شکل گرفت. جبهه ای که حزب الله، حزب امل و حزب مسیحی آزاد در آن حضور داشتند و بعدها جریان های دیگری نیز به آن اضافه شدند که تغییر مواضع اخیر ولید جنبلاط رهبر جریان دروزی سوسیالیست ترقی خواه از جریان ۱۴ مارس به ۸ مارس یکی از چند نمونه این اتفاقات است. اتحاد ۱۴ مارس، پس از تظاهرات بزرگ بیروت در سال ۲۰۰۵، با خواست خروج سوریه از لبنان و حدود یک ماه پس از ترور رفیق حریری شکل گرفت و خواهان خروج نیروهای سوری از لبنان پس از ۲۹ سال شد.

پس از حمله اتریش اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶، این کشور برای ۱۸ ماه بدون رئیس جمهور ماند و سرانجام در جریان توافق دوحه در سال ۲۰۰۸، توافقاتی بین دو جریان حاصل شد. اما در این توافق نیروهای ۸ مارس توانستند حق وتو در کابینه را رسمیت دهند و میشل سلیمان، به عنوان رئیس جمهور برگزیده شد. پارلمانی لبنان ۱۲۸ کرسی به تساوی بین «مسیحیان و مسلمانان» تقسیم شده است. مسیحیان مارونی ۳۴ کرسی، ارتدوکس ۱۴ و سنی ها ۲۷ کرسی را از آن خود کرده اند. البته این تقسیم بندی از سال ۱۹۳۲ باقی مانده است و ساختار مذهبی پارلمان لبنان از آن زمان تا به حال تغییری نکرده است. در پارلمان ملی فعلی لبنان نیز پیش از تغییر مواضع جنبلاط، نیروهای ۱۴ مارس ۷۰ کرسی و نیروهای ۸ مارس ۵۸ کرسی را تصاحب کرده بودند که با تغییرات جدید هر یک از دو جریان ۱۴ و ۸ مارس به طور مساوی ۸۵ کرسی را از آن خود کرده اند.

نخست وزیر جدید لبنان

میشل سلیمان، رئیس جمهوری لبنان، به دنبال سقوط دولت سلسله مذاکراتی را در جهت تشکیل کابینه آغاز کرد و اعلام داشت که آغاز مذاکرات به روز بیست و چهار ژانویه محول کرده است. تلاش های میشل سلیمان قرار بود از امروز هفدهم ژانویه آغاز شود.

نجیب میقاتی نخست وزیر جدید لبنان، مشاوره های خود با فراکسیون های پارلمانی را از روز پنج شنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۱۱ - ۷ بهمن ۱۳۸۹، آغاز کرده و گفته می شود که این مشاوره ها در روز جمعه خاتمه یابد.

اما دیدار بسیار کوتاه میقاتی و سعد حریری و سپس موضع گیری حریری در برابر خبرنگاران، حاکی از عدم توافق طرفین است. حریری در برابر خبرنگاران، در پاسخ به این سوال که آیا جریان المستقبل در دولت جدید شرکت خواهد کرد یا خیر، پاسخ داد «به چه دلیل؟» و بدین ترتیب رسماً عدم شرکت خود از دولت را اعلام کرده است. جریان المستقبل که پیش از این اکثریت پارلمانی و سیاسی در لبنان را به همراه هم پیمانان خود در اختیار داشت، عصر روز پنج شنبه جلسه ای را به ریاست فواد سنپوره نخست وزیر سابق لبنان تشکیل داده و در پایان اعلام کرد که موضع گیری صریح میقاتی در قبال موضوع دادگاه بین المللی و این که آیا خواسته حزب الله مبنی بر کنار کشیدن لبنان از دادگاه را عملی خواهد کرد یا خیر، در مشارکت این جریان در دولت تعیین ننده است.

بر اساس تفاهم نامه همکاری میان لبنان و سازمان ملل پیرامون دادگاه، دو قاضی لبنانی در جمع قضات دادگاه قرار گرفته و ۵۱ درصد از بودجه دادگاه را نیز دولت لبنان پرداخت می کند. هم چنین بر اساس این تفاهم نامه اگر دادگاه خواستار محاکمه فردی لبنانی شد، دولت این کشور باید فرد مزبور را تحویل دادگاه دهد.

حزب الله و هم پیمانانش به شکل صریح عنوان کرده اند که لبنان باید همکاری خود با دادگاه را قطع کند. از جمله صریح ترین موضع گیری ها می توان به اظهارات یک هفته قبل سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله اشاره کرد که در توضیح دلیل استعفای وزرای حزب الله و سقوط دولت سعد حریری گفته بود دولتی جدید باید تشکیل شود که اگر دادگاه قصد تعرض به افرادی از حزب الله را داشت، این دولت با دادگاه همکاری نکند.

یکی دیگر از شروط جریان ۱۴ مارس برای شرکت در دولت، موضع گیری میقاتی در قبال تسلیحات حزب الله است، این حزب اعلام کرد که دارای سلاح در لبنان است، اما با این تسلیحات اسرائیل را نشانه گرفته است و هیچ گونه فشاری را برای خلع سلاح نخواهد پذیرفت.

با این حال احزاب و گروه های هم پیمان با حزب الله موضع گیری صریحی در قبال دولت جدید داشته و از هم اکنون مشغول تقسیم پست های وزارتی میان خود هستند.

سلیمان فرنجه، رهبر جریان المرده و وزیر کشور اسبق لبنان که از چهره های مسیحی نزدیک به حزب الله است، پیش بینی کرد که دولت جدید بدون مشارکت جریان ۱۴ مارس شکل گرفته و صرفاً شاهد حضور وزیرانی از یک رنگ در خود باشد.

از نکات جالب در معاملات سیاسی لبنان، می توان به احتمال افزایش کرسی های وزارتی برای گروه ولید جنبلاط در دولت میقاتی اشاره کرد. الشرق الاوسط به نقل از منابع آگاه نوشت که قرار بر این است تا وزیران جنبلاط در کابینه به شکل بی سابقه ای افزایش یابند، به طوری که تعداد آن ها از حد و حدود طائفه دروز که جنبلاط رهبری آن ها را بر عهده دارد، بیش تر خواهد بود. جنبلاط در دولت های سابق لبنان معمولاً یک یا دو وزیر را در اختیار داشت، اما با توجه به چرخش سیاسی ولید جنبلاط و انتخاب میقاتی، توازن قبلی در لبنان بر هم خورده است.

سرکیس نعوم، تحلیلگر مشهور لبنانی، در سرمقاله اخیر روزنامه «النهار»، نوشت: «خطر بزرگی لبنان را تهدید می کند. به نظر می رسد سعد حریری اصرار دارد تا در دولت شرکت نکرده و اپوزیسیونی قدرتمند را بیرون دولت شکل دهد. بدین ترتیب دولت جدید از یک رنگ تشکیل خواهد شد و تنش مذهبی بین دو طائفه شیعه و اهل تسنن در لبنان افزایش می یابد. در عین حال تشکیل دولتی یک دست باعث می شود تا آمریکا و فرانسه موضع گیری تندی علیه آن داشته و این دولت را دست نشانده ایران و سوریه فرض کنند. بدین ترتیب دولت میقاتی در آستانه تحریم جهانی قرار خواهد گرفت.»

«موقفیت میقاتی؛ شکست توطئه های غرب در صحنه سیاسی لبنان»، این عبارت تیترو اول خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا بعد از انتخاب نجیب میقاتی به نخست وزیر لبنان بود. همین جمله برای نشان دادن خشنودی سران حکومت اسلامی از انتخاب نخست وزیر حزب الهی لبنان، کافی باشد.

نجیب میقاتی، ۵۵ ساله لبنانی، از حمایت کامل شیعیان حزب الله برخوردار است. از زمان اعلام خبر نخست وزیری او، مناطق سنی نشین لبنان صحنه اعتراض به این انتخاب و ناآرامی های شدید شده است. هر چند که شیخ حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان، روز سه شنبه ۵ بهمن ۱۳۸۹، در سخن رانی خود، برای آرام کردن معترضین اعلام کرد: «ما از نامزدی میقاتی حمایت کردیم اما این دولت، دولت حزب الله نیست و حزب الله آن را رهبری نمی کند.» اما کسی این سخنان دبیرکل حزب الله را باور ندارد.

در واقع سرنوشت لبنان، با دادگاه رفیق حریری گره خورده است. یکی از مهم ترین دلایلی که نصرالله و نیبه بری از میقاتی حمایت کردند، این است که او، موضع ضددادگاه حریری دارند و از خلع سلاح حزب الله نیز حمایت نمی کند. و به همین دلیل نیز سران حکومت اسلامی افسران، از نخست وزیری میقاتی حمایت می کنند. از این رو، باید دید آیا توازن قوا در آینده لبنان را به نفع حزب الله و حکومت اسلامی تغییر خواهد کرد و یا به ضرر آن ها؟!

عکس العمل دولت های غربی و متحدان شان در رابطه با بحران لبنان

به گزارش خبرگزاری فرانسه، عربستان سعودی امروز با خطرناک توصیف کردن اوضاع لبنان گفت که از میانجی گری برای حل بحران کنونی در این کشور دست می کشد.

اما در پاریس «نیکولاسارکوزی» رییس جمهوری فرانسه با اشاره به بحران سیاسی پیش آمده در لبنان پیشنهاد کرد که کشورهای علاقمند به حل هرچه سریع تر این بحران و کمک به لبنانی ها یک «گروه تماس» متشکل از کشورهای ذینفع تشکیل گردد. بنا بر بیانیه کاخ الیزه در پاریس، رییس جمهوری فرانسه طی روزهای اخیر درچارچوب تلاش های دیپلماتیک خود با بسیاری از سران دولت های علاقمند به سرنوشت لبنان، از جمله ملک عبدالله پادشاه عربستان، رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه، بشار اسد رییس جمهوری سوریه و باراک اوباما رییس جمهوری آمریکا گفتگو و تبادل نظر کرده است. در این میان رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه، با استقبال از پیشنهاد رییس جمهوری فرانسه اعلام داشت که در صورت تشکیل چنین گروهی ترکیه سهم خود را در تلاش های این گروه ادامه خواهد کرد.

درهای لبنان به روی همه کشورها و به خصوص سرویس های جاسوسی - امنیتی آن ها باز است و آن ها در قالب های مختلفی چون فعالیت های فرهنگی در این کشور مستقر شده اند. بنابراین، واضح است که دخالت عوامل خارجی، یکی از فاکتورهای مهم بر سر راه حل و فصل بحران لبنان است.

جمع بندی

در حال حاضر تحولات انقلابی کشورهای آفریقایی و عربی، تاثیر خود را بر تحولات لبنان نیز گذاشته است. بحران های ساختاری سرمایه داری از یک سو و فقر و قلات و بی کاری گسترده و گرانی کالاهای مورد نیاز مردم از سوی دیگر، کشورها را یکی پس از دیگری در می نوردد.

مردم تونس، با وجود این که دستاورهای مهمی کسب کرده اند، اما به خانه های خود برنگشته و هم چنان بر سرنوینی بقایای حکومت سابق و تشکل یک دولت جدید، پافشاری می کنند. تظاهرات الجزایر با الهام گیری از خواست ها و شعارهای مردم تونس بار دیگر اوج گرفته است. مصر اینک در آستانه تحولات بزرگ و سرنوشت سازی قرار گرفته، کارگران و مردم آزادی خواه مصر، خواهان برکناری حسنی مبارک هستند. سوریه، علاوه بر مشکلات اقتصادی و سیاسی داخلی خود، به مرکز رفت و آمد گروه های حزب الهی لبنان و فلسطین و مقامات حکومت اسلامی تبدیل شده است. اوضاع یمن، در هر دو بخش جنوب و شمال این کشور، بسیار ملتهب است. موج تظاهرات مردمی در جنوب آغاز شده است و هیئت حاکمه آن، هر لحظه در انتظار موج دیگری از اعتراضات مردمی هستند. ماه هاست که حتی موسسات اطلاعاتی آمریکا و عربستان مرگ قریب الوقوع امیرعبدالله و آغاز جنگ شدید قدرت را در عربستان پیش بینی کرده اند. جنگ قدرت بین ده ها شاهزاده تشنه قدرت در این سرزمین قبل از مرگ عبدالله، آغاز شده و هر لحظه انتظار انفجار اجتماعی در این کشور نیز می رود. حدود دو هفته پیش تظاهرات بزرگی در پایتخت اردن این کشور توسط نیروهای چپ و کارگری سازمان دهی و برگزار شد. هر آن انتظار می رود که موج اعتصابات کارگری و اعتراضات مردمی این کشور را بگیرد. اوضاع ترکیه نیز دستخوش تحولات زیادی است. پس از حدود هفت سال حاکمیت گروه های اسلامی لیبرال در این کشور، اکنون گرایشات چپ و سکولار به فکر تغییر وضع موجود هستند. اما ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، پس از پشت سر گذاشتن چند ماه التهاب و اعتراضات مردمی اینک ماشین آدم کشی خود را به سرعت بیش تری در جامعه راه انداخته تا با آفریدن رعب و وحشت در جامعه، عمر هر چند کوتاه دیگری برای حاکمیت تروریستی خود بخرد. همه دولت های غربی، بیش از همه نگران موقعیت دولت اشغال گر اسرائیل هستند. بعید به نظر می رسد که مردم اسرائیل در میان این همه تحولات منطقه ای، آرام بنشینند. بنابراین، همه این تحولات وضعیت لبنان را تحت تاثیر خود قرار داده است. در چنین شرایطی، افق و چشم اندازه سیاسی و اجتماعی لبنان، پس از ایجاد بحران فعلی توسط حزب الله با تحریک و حمایت سران حکومت اسلامی و سوریه، بسیار مبهم و تاریک است. هیچ کس نمی داند که این بحران تا کجا ادامه یافته و چگونه حل خواهد شد.

یکشنبه دهم بهمن ۱۳۸۹ - سی ام ژانویه ۲۰۱۱

منبع: یادداشت روز دیدگاه